

# فضای اقتصادی کارآفرینی و

## نقش مدیران در توسعه اقتصادی

دکتر محمود متوسلی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

### چکیده مقاله

رهبری بالاترین نقش را در توسعه یا عقب افتادگی یک واحد تولیدی، یک خانواده، و یا یک کشور دارد. سخت کوشی، هوشیاری، قدرت تشخیص بالا، اعتماد به نفس و ریسک پذیری از ویژگیهای بارز مدیران مبتکر و رهبران مقتدر اقتصادی است. واقعیات پیچیده جهان تکنولوژی، در تضاد با فرضیات کلاسیک می باشد. انگیزه‌های تحولات بنیادی در نتیجه وجود سودهای انحصاری و نه در شرایط رقابت کامل، شکل می‌گیرد. امنیت اقتصادی در معنای عام آن شامل حقوق مالکیت و قوانین و مقررات مناسب برای فعالیتهای پویای اقتصادی شرایط اولیه‌ای است که ظهور کارآفرینان را ممکن می‌نماید. در چنین شرایطی، کارآفرین که خود لزوماً صاحب پول و مهارت فنی نیست، قادر است تا تمام عوامل و ابزار فعالیت خود از جمله اعتبارات و متخصصین و مخترعین را به خدمت بگیرد.

نقش دولت در ایجاد فضای مناسب و ابتکار عمل در اموری که بخش خصوصی تمایلی به انجام آن ندارد و یا قادر به انجام آن نیست ضرورتی انکار ناپذیر است، این اقدامات از وضع قوانین و مقررات و تأمین و تضمین آنها، ایجاد زیر ساختها، آموزشها، تشکیل نهادهای تسهیل کننده بازار، و هر نوع کالا و خدماتی که ماهیت کالاهای عمومی را دارد، شامل می‌شود.

همکاری بخش خصوصی و دولت با اعتقاد به نقش تکمیلی و تکاملی دو بخش، در نیل به آرمانهای ملی می‌تواند پاسخگوی

نیازهای جامعه پیچیده امروزی و مبارزات علمی بین‌المللی باشد.

### واژه‌های کلیدی

کارآفرینی - فضای اقتصادی - مدیران مبتکر - توسعه اقتصادی.

### مقدمه

وجود انبوهی از عوامل تولید شامل نیروی کار، منابع طبیعی، سرمایه و نیروی متخصص در یک کشور ضرورتاً توسعه آفرین نیست. همانطوری که فراهم کردن مقادیر زیادی هیدروژن، اکسیژن و کربن، الزامی را برای شکل‌گیری اسید سولفوریک به وجود نمی‌آورد. تشکیل این ماده شیمیایی علاوه بر ضرورت نسبت وزنی معینی از عوامل، شرایط مناسب و احتمالاً کاتالیزور ویژه‌ای را می‌طلبد. پدیده توسعه نیز نیازمند مدیران مبتکر (کارآفرین) و فضای مناسبی است که ترکیب مطلوبی از عوامل مختلف را در شرایطی معین برای نیل به هدفی خاص، به وجود آورد.

در پیش گرفتن هر استراتژی توسعه اقتصادی و از جمله استراتژی توسعه صادرات نیازمند به اصولی است که شرایط توسعه را در یک کشور بوجود آورد و ظهور مدیرانی خلاق و مبتکر را فراهم نماید، و چنین مدیرانی مسوولیت تصمیم‌گیری در تخصیص، عرضه و ترکیب مطلوب عوامل را برای دستیابی به اهداف آرماتی یک کشور به عهده گیرند.

وجود منابع اولیه غنی، موقعیت جغرافیایی استراتژیک و حتی تخصیص هزینه‌های بالا به علوم و تکنولوژی و تربیت اندیشمندان، هیچکدام به تنهایی و در ترکیبی ناسازگار نمی‌توانند متضمن توسعه باشند، همانطوری که نفت، مس و سایر منابع طبیعی در کشورهای جهان سوم، و بیشترین برندگان جایزه نوبل در انگلستان، و یا بالاترین سهم تخصیصی هزینه‌ها به علوم پایه در روسیه (سابق)، متضمن توسعه پویای تکنولوژیک نبودند.

در این بررسی نقش تعیین کننده فضای اقتصادی و مدیران مبتکر، در توسعه اقتصادی مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این راستا ابتدا دیدگاه‌های اندیشمندانی نظیر مارشال، نایت و شومپتر ارائه می‌شود. سپس نکاتی کلیدی در خصوص ایجاد فضای مناسب در خصوص توسعه با تکیه بر صادرات، ویژگیها و عملکرد مدیران خلاق و نقش دولت مورد بحث قرار می‌گیرد، و در نهایت به خلاصه‌ای از مباحث فوق پرداخته می‌شود.

### دیدگاه اندیشمندان

اصطلاح کارآفرینی از دید مارشال به فردی اطلاق می‌شود که تولید را سازماندهی می‌کند، و مشاغل واسطه‌ای و بورس بازی را مشمول نمی‌گردد. از دید وی برخی از ویژگیهای کیفی کارآفرینی به عنوان تولید کننده مصنوعات عبارتند از:<sup>۱</sup>

اول، دانش و آگاهی کامل در موضوع کاری و تجاری خود، او می‌باید قدرت پیش‌بینی وسیعی در خصوص روند تولید و مصرف کالا داشته و قادر باشد موقعیتهای و فرصتهای ویژه را برای عرضه کالای جدید و یا تغییر و تحول در محصولات قدیمی برای ارضای تقاضای مشتریان درک نموده و به اجرا در آورد. به علاوه آگاهانه و با شجاعت قبول ریسک نماید.

دومین ویژگی، داشتن خصوصیت رهبری است به طوری که یاران خویش را به درستی انتخاب نماید و سپس به طور کامل به آنها اعتماد نماید و اعتماد متقابلی را بین خود و آنها به وجود آورد، در چنین شرایطی آنها تمام نیروی خود را در راه پیش برد اهداف رهبری به کار می‌گیرند.

سوم، اینکه او نوعی کنترل عمومی را در کلیه امور اعمال نماید و نظم و وحدت را در محورهای اصلی تجارت خویش شکل دهد. چنین افرادی عموماً جدی، سخت کوش و دارای قدرت تشخیص بالا بوده و هدف عمده آنها بالا بردن مستمر کارایی واحد

تجاری است.

مارشال بر اساس مشاهداتش، جمع و ترکیب ایده‌های خلاق و تکنیکهای تجاری را در واحدهای دولتی و یا واحدهای خصوصی که به دلیل قدمت و یا بزرگی شیوه‌های بوروکراسی بر آنها حاکمیت یافته است، بعید می‌داند.

فرانک نایت<sup>۲</sup>، نقش کارآفرینی را در گرو تصمیم‌گیری در شرایط نامعین (Uncertainty) می‌داند. او شرایط مفروض در بازار رقابت کامل را، شرایط ایستا و بدون تحرک می‌داند، که هیچگونه ریسک و عدم اطمینانی وجود ندارد، بنابراین هیچ تصمیمی گرفته نمی‌شود. او بین ریسک (risk) و عدم اطمینان تفاوت قایل می‌شود، در شرایط ریسک پارامترهای توزیع احتمالاً شناخته شده هستند، در حالی که در شرایط عدم اطمینان این پارامترها ناشناخته هستند و در نتیجه غیرقابل اندازه‌گیری می‌باشند.

در مورد اول با استفاده از روشهای بیمه و یا تعدد و تناوب، ریسک را می‌توان کاهش داد، اما زمانی که تعداد نمونه‌های قابل اندازه‌گیری بسیار محدودند و دامنه واریانس گسترده می‌باشد، تصمیم‌گیری با درجه بالایی از عدم اطمینان مواجه خواهد بود. بنابراین، تصمیم‌گیری بر اساس قضاوتهای فردی مهمترین وظیفه و خصیصه کارآفرینی است. بر همین اساس، افراد دارای قابلیت‌های متفاوتی در رسیدن به قضاوتی صحیح در خصوص حوادث آینده، طبیعت انسانی و شیوه‌های نیل به مقاصدشان، هستند.

همچنین آنها نسبت به اعتماد به قضاوتهایشان و رفتار عمومی در پذیرش ریسک متفاوت هستند و به طیف گسترده‌ای از رفتار عشق به ریسک‌پذیری (Risk lover) و ریسک‌گریزی (Risk Averter) قابل تفکیک هستند.

از آنجایی که کارآفرین در شرایط عدم اطمینان تصمیم می‌گیرد و با تمام پیامدهای تصمیم خویش باید مواجه شود، بنابراین پذیرش «مسئولیت» و «کنترل» امور از جمله ویژگیهای غیرقابل تفکیک کارآفرینی و طبقات تصمیم‌گیرنده اجتماعی باید باشد.

یکی از بزرگترین مشکلات سازماندهی اقتصادی در بُعد افزایش کارایی یافتن مدیرانی است که قادر باشند مسوولیت پذیری و کنترل را تضمین و اعمال نمایند. بنابراین در شرکتهای بزرگ اساسی‌ترین تصمیم‌گیری انتخاب افراد در رده‌های مختلف مدیریتی است که می‌باید تصمیم‌گیری نمایند.

از دیدگاه شومپتر<sup>۳</sup> نقش کارآفرینی زمانی ظاهر می‌شود که نظام اقتصادی شاهد دگرگونی و تحولات باشد. در حقیقت کارآفرینی خود عاملی برای تحولات می‌باشد، او بین تغییرات مستمر و تدریجی و تغییرات بنیادی و انقلابی تمایز قایل است و فقط نوع دوم از تحولات را توسعه می‌داند. نیروهای تحول در یک فرایند منقطع و غیرپیوسته از درون سیستم نشأت می‌گیرند. در فرایند تحول ترکیبات جدیدی صورت می‌گیرد و این ترکیبات با معرفی کالای جدید، روشهای نوین تولید، گشایش بازار جدید، دستیابی به عرضه منابع جدید، و یا ارائه شیوه‌های نوین سازماندهی و مدیریت، فصل جدیدی از رونق و شکوفایی اقتصادی را سبب می‌شود.

سودآوری و منافع انحصاری و به تبع آن گسترش فعالیتهای اقتصادی تا زمانی تداوم می‌یابد که کارآفرین بتواند ابتکار عمل و رهبری در فعالیت آغاز شده را در دست داشته باشد. بعد از اینکه شناختی عمومی در خصوص اطلاعات و تکنیکهای جدید بکار گرفته شده حاصل شد، سود به یک حداقل معین تنزل خواهد کرد و آغاز دور جدیدی از تحولات در گرو ابتکار و نوآوری در فعالیتی دیگر است.

کارآفرین یک مخترع (Inventor) نیست و یا ضرورتاً صاحب سرمایه نمی‌باشد او با قوه ابتکار و خلاقیت خود مخترعین را بکار می‌گیرد و اعتبار لازم برای تأمین پروژه خویش را از طریق مؤسسات اعتباری تأمین می‌نماید. با توسعه و پیچیدگی تکنولوژی و نظام اقتصادی ابتکار و خلاقیت شخصی جای خود را به نوآوریهای سازمانی و دستاوردهای گروهی می‌دهد.<sup>۴</sup>

کارآفرین با هشیاری خویش فرصتهای سودآور را کشف می‌کند. فعال بودن، خلاقیت و پویایی از ویژگیهای کارآفرین است. او نه تنها مهارتها، تکنیکها، منابع و اعتبارات موجود را به کار می‌گیرد، بلکه با آغاز هر فعالیت فضا را برای تکامل و تعالی طیف وسیعی از نوآوریها، ابداعات و اختراعات آماده می‌سازد. به عبارت دیگر تحولات بنیادین و توسعه نهایی، حاصل پویایی و خلق نوآوریها در فرایند توسعه است و نه استفاده بهینه از منابع و تکنیکهای موجود.<sup>۵</sup>

در بررسی فلسفه زندگی اندیشمندان مشهور جهانی، نکته قابل توجه این است که رشد و درخشش فردی آنها در حد بالایی وابسته به محیطی است که آنها را در مبارزه‌ای مستمر قرار می‌داد و

در چنین فضایی نواغ ظهور یافته و تحولات سریع در تکامل نظام اقتصادی جهانی در ابعاد مختلف ممکن گردید. تأثیر شگرف این اصل اساسی در یک واحد کوچک اقتصادی، جامعه دانشگاهی، شرکت‌های بزرگ، کشورها و حتی در بین دول مختلف غیرقابل انکار است. بنابر این رسالت تمامی مسولین و تصمیم‌گیرندگان در فراهم آوردن فضایی با ویژگیهای مذکور پیش‌نیازی در امر توسعه و شاخصی در خصوص سنجش قابلیت‌های مدیریتی آنهاست.

### شرایط و زمینه‌های توسعه با تکیه بر صادرات

رشد سریع اقتصادی با تکیه بر گسترش صادرات همراه و همزمان با توزیع بهتر درآمدها و بالا بردن درآمد و رفاه اقشار پایین درآمد امری است کاملاً امکان‌پذیر و تجربه برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی به ویژه تایوان و کره جنوبی گواه بر این مطلب است. دیدگاه و تفسیر غالب اندیشمندان از رشد سریع همراه با عدالت نسبی اجتماعی با تکیه بر توسعه صادرات اگر چه نقش و اهمیت نرخ بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را رد نمی‌کند اما آن را کافی و تعیین‌کننده نمی‌داند بلکه:

- عزم و اراده ملی در ایجاد یک فرایند منسجم در داخل مرزهای ملی است که توسعه صادرات و منافع حاصل از تجارت را به تمامی فعالیتهای اقتصادی گسترش می‌دهد و امکانات برابر برای مشارکت در تولید ملی را فراهم می‌آورد و بقاء و استمرار توسعه فزاینده در گرو این همگونی در جامعه تضمین می‌گردد.

- در پناه عزم و اراده ملی تمامی تلاشها در بکارگیری منابع مولد مادی، انسانی و تکنولوژیک بسیج می‌شود و از تمامی فرصتهای سرمایه‌گذاری و تجاری داخلی و خارجی در تحقق هدف مطلوب رشد سریع و رفاه گسترده بهره می‌گیرد.

- عدم موفقیت در صادرات نباید فقط به عوامل بازار جهانی، کشش‌ناپذیری بازار بین‌المللی، و انعطاف‌ناپذیریهای ساختاری در کشورهای جهان سوم محدود شود. همه این موارد واقعیهایی است که مدیریت منسجم صادراتی با اتکاء بر سیاستهای داخلی مناسب باید با آنها مبارزه کند.

- سیاستهای توسعه صادرات از سیاستهای توسعه تولید ملی جدا نیست، بنابر این زمینه‌های ارزشی و نهادی، زیر ساختها، تسهیلات مالی و پولی، ثبات و استمرار قوانین و مقررات، شرایط

رقابت داخلی و به طور کلی جو و امنیت تولید ملی به تدریج باید شکل گیرد تا پیش نیازهای اولیه برای حرکت سریع را فراهم آورد. بنابراین ما از صادرات به عنوان «موتور محرکه توسعه» یاد می‌کنیم و «نقش مدیران» در این میان بی‌تردید بسیار مؤثر خواهد بود.

موفقیت مدیران مبتکر و خلاق که معمار اصلی گسترش تولید ملی و توسعه صادرات هستند تابع شرایط و وابسته به ویژگیهای خاصی است که به چند مورد اشاره خواهیم نمود.

## نقش مدیران و وظایف دولت<sup>۱</sup>

- آزادی عمل در تصمیم‌گیریها در شرایط رقابت و به دور از امتیازهای خاص و دخالت‌های بوروکراسی سیاسی به مدیران اجازه می‌دهد تا کارایی بنگاه خویش را در تمامی بازارهای مالی، پولی و عوامل و کالاها بالا برده و زمینه‌های لازم برای مقابله با هرگونه ریسک پیش‌بینی نشده‌ای را فراهم نمایند.

- مسوولیت‌پذیری مدیران نسبت به پیامد تصمیم‌گیریها و مسوولیت در قبال سود و زیان، اصل عقلانیت و منش عقلایی را بر تصمیم‌گیریها حاکم می‌نماید و تعادل مطلوب را بین ریسک‌پذیری و احتیاط در امور تجاری و تولید برقرار می‌نماید. ریسک‌پذیری در افراد متفاوت است و کسانی که به حقوق و مستمری معینی عادت کرده‌اند به سختی حاضر به قبول مسوولیت سود و زیان هستند.

- دنیای پیچیده تجارت بین‌المللی و دگرگونیهای سریع آن مدیران را با کمبودها و نقائصی در اطلاعات تکنولوژیک، بازار و برنامه‌ریزیهای بلند مدت روبرو می‌سازد و موفق‌ترین مدیر کسی است که در حدود امکانات خویش بالاترین مجموعه اطلاعات را کسب نموده و در تصمیم‌گیریهای خویش مورد استفاده قرار دهد، و در رویارویی با فرصتهای جدید بازرگانی - تجاری هوشیاری کاملی داشته باشد. اگر چه هوشیارترین مدیر نیز ممکن است نسبت به پیش‌بینی‌های آینده دچار اشتباه شود اما اعتماد به نفس، ایمان راسخ و اعتقاد به ارزشهای ملی در سخت‌ترین شرایط مدیران را یاری می‌کند.

- تجارب مدیریت خود مهمترین منبع برای دانش اندوزی محسوب می‌شود، و گردهم آیی‌های مستمر علاوه بر جنبه‌های آموزشی تئوریک و آکادمیک آن می‌تواند در تبادل تجارب بسیار

مفید و ارزنده باشد و انتظار این است که گردهم آیی‌های رسمی و غیررسمی در سطوح و گروه‌های تخصصی صنایع بازرگانی به صورت یک رویه مرسوم و معمول در بین تجار و بازرگانان در آید. فعالیت تجاری در مقیاس وسیع که امروزه به شکل مجتمع‌های بزرگ تجاری و صنعتی در عرضه رقابتهای بین‌المللی ظهور یافته‌اند، بدون تردید امتیازی بزرگ برای ملتها و صاحبان آن مجتمع‌ها محسوب می‌شود. چنین مجتمع‌هایی از تمامی مزایای تولید و تجارت در مقیاس وسیع برخوردارند. آنها قادرند بسیاری از صرفه‌های اقتصادی خارجی را به نفع خویش و بر حسب شرایط برونی سازند و در جهت کاهش هزینه‌ها و بالا بردن کارایی خویش مورد استفاده قرار دهند. شرکتهای موجود در برخی از کشورهای جهان سوم و از جمله ایران از این امتیاز برخوردار نیستند و اتحادیه‌های تجاری و سایر تشکلهای صنفی می‌باید طرح علمی و عملی برای تشکیل شرکتهای بزرگی که سهامداران و مالکین آن، طیف وسیعی از جامعه باشند ارائه دهند و تمامی مسائل حقوقی، مالی و اجرایی آن را مورد بررسی دقیق قرار داده و در حداقل زمان ممکن توان و ظرفیت را برای شرکتهای ایرانی و ایفای نقش اصلی خود در جامعه تجاری بین‌المللی بوجود آورند.

- تمهد عمیق، وجدان کار و سخت کوشی از ویژگیهای بارز یک مدیر مبتکر می‌باشد و به ویژه در ابتدای شروع بکار در یک واحد تجاری می‌باید هوشیارانه و با دقت کامل تمامی ابعاد و عملیات شرکت خویش را شامل طراحی، تولید، انتخاب بازار، تکنولوژی تولید و بازاریابی محصولات را زیر نظر بگیرد و به تدریج با واگذاری مسوولیت‌ها و تصمیم‌گیریها به واحدهای تخصصی بر نقش نظارتی و ارزیابی بر عملکرد زیر بخشها بیفزاید.

- در درازمدت موفق‌ترین شرکتهای آنها هستند که مدیران آنها بر آموزش نیروی انسانی و بالا بردن مهارت کارمندان خود توجه ویژه داشته‌اند، مدیران نوآوری که انگیزه بهتر کارکردن، حفظ کیفیت استاندارد، ایجاد فضا برای رشد خلاقیت‌های اعضای خانواده شرکت خویش را فراهم آورند. مدیرانی که بتوانند در شعار و عمل روحیه بالای وجدان کار و وابستگی به شرکت و خدمت در جهت منافع ملی را شکل داده و تکامل ببخشند.

- علاوه بر اصول مدون و تئوریک در موفقیت مدیران،

نقش تکمیلی و تکاملی خود را ایفاء نماید و با رفع ضرورت در آن فعالیت خاص نیروهای دولتی فعالیت جدیدی را راه‌اندازی و تسهیل کنند. خلاصه اینکه اعتقاد ما بر این است که دولت و بازار نقش تکمیلی در رفع موانع و پویایی فعالیت‌های اقتصادی دارند و نه نقش جایگزینی.

## منابع و مآخذ

۱- رجوع شود به مآخذ ذیل صفحه ۲۹۷.

A. Marshal (1920), "Principles of Economics", Eighth Ed, Macmillan, Cited by H. Lydall, *The Entrepreneurial Factor in Economic Growth*, (1992), Macmillan.

۲- رجوع شود به:

Frank Knight, (1921), "Risk, Uncertainty and Profit", Houghton, Mifflin Company, New York.

۳- برای شرح تفصیلی نقش کارآفرینی از دیدگاه شومپتر و ایده‌های جدید در این خصوص به مآخذ ذیل رجوع شود:

J. A. Schumpeter (1981), "Capitalism, Socialism and Democracy", George Allen & Unwin, Also the *Theory of Economic Development*, (Harvard University Press, 1934).

I. M. Kirzner (1973), "Competition and Entrepreneurship", University of Chicago Press.

۴- مآخذ شماره ۳، شومپتر، تئوری توسعه اقتصادی، صفحات ۸۵ - ۷۰.

۵- مآخذ شماره ۳، شومپتر، سرمایه‌داری، سوسیالیسم و دموکراسی، صفحات ۱۳۲-۳.

۶- استاد به برخی موارد ذکر شده در مآخذ ذیل صفحات ۷۹ - ۷۴.

H. Lydall (1992), "The Entrepreneurial Factor in Economic Growth", Macmillan.

شخصیت و نبوغ فردی و عاملیت در رهبری همیشه مؤثر و کارساز بوده است. جریان ایستا و مستمر و معمول اقتصادی هرگز مورد قبول یک مدیر مبتکر نیست، بلکه نبوغ مدیریت، تحول و دگرگونی، و پویایی در سازماندهی و فعالیت‌های مختلف را می‌طلبد. نقش مهم مدیران زمانی تکمیل و تکامل می‌یابد که از حمایت‌های کامل دولت برخوردار باشند. خلاء موجود بین شرکت‌های داخلی و شرکت‌های خارجی در ابعاد مختلف ایجاب می‌کند که دولت خود آغازکننده بسیاری از اقداماتی باشد که در نهایت قدرت و توان برابری و مقابله شرکت‌های نوپای داخلی را در برابر شرکت‌های با سابقه و مجرب خارجی فراهم آورد. این اقدامات ابتکاری تمامی تشکلهای واحدهای تجاری - اطلاعاتی، فنی و بازاریابی خارجی تسهیلات و تشکلهای داخلی در خصوص تسهیل و تسریع فرایند رشد تولید داخلی، را شامل می‌شود. و دولت در کنار بازار به عنوان دو عضو مکمل در نیل به آرمانهای ملی تلاش نمایند.

- مسائل آموزشی عموماً کالایی عمومی هستند و برای بخش خصوصی بازده نهایی قابل قبولی را بوجود نمی‌آورد و ابتکار دولت در شکل دهی آموزشها در واحدهای مختلف تولیدی و تجاری و تأمین هزینه‌های آموزش از همین بخشها، هم اقتصادی و هم قابل انجام است.

- احداث و راه‌اندازی واحدهای تولیدی - صادراتی در اغلب موارد به دلایل متعدد از جمله تقسیم ناپذیرها، نیاز به سرمایه‌گذارهای بالا، وابستگی به زیرساخت‌های عمده (برق و آب و ... ) برای بخش خصوصی به صورت فردی امکان پذیر نیست. در حالی که سازماندهی بخشهای مرتبط خصوصی در یک مجتمع صنعتی بسیاری از موانع را رفع می‌کند و صرفه‌های خارجی بسیاری را برای مؤسسات و واحدهای فردی خصوصی بوجود می‌آورد.

- تشکیل شرکتها و واحدهای خارجی در مراکز مهم تجاری بین‌المللی می‌تواند مهمترین منابع اطلاعاتی - فنی و بازاریابی باشند که ابتکار اولیه دولتی برای تشکیل آنها را ضروری می‌سازد و بدون تردید برای شرکت‌های نوپای داخلی در سطح گسترده چنین امکانی وجود ندارد. البته تأکید می‌شود که فعالیتها و دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت نباید در درازمدت بوروکراسی جدیدی را بوجود آورد و هزینه‌های جدیدی بر بودجه عمومی مملکت تحمیل نماید و دولت بر حسب ضرورت دخالت مؤثر و